
مداحان
بانک جامع اشعار
با موضوع: حضرت امام موسی کاظم (ع)
جلد (۹)

بسم الله الرحمن الرحیم

بانک جامع اشعار مداحان

نویسنده:

مهدی سروری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
بانک جامع اشعار مداحان جلد ۹ ----- ۱۳
مشخصات کتاب ----- ۱۳
حضرت امام موسی کاظم(ع) ----- ۱۳
ولادت ----- ۱۳
۱- اینجاست کاظمین که از کعبه برتر است ----- ۱۳
مشخصات ----- ۱۳
متن شعر ----- ۱۳
۲- ای هفتمین ولی خدا هفتمین امام ----- ۱۴
مشخصات ----- ۱۴
متن شعر ----- ۱۴
فضائل ----- ۱۵
۱- ای هزاران موسی ات از طور آورده سلام ----- ۱۵
مشخصات ----- ۱۵
متن شعر ----- ۱۵
۲- قربون گنبدی که خیلی غریب و با صفاست ----- ۱۷
مشخصات ----- ۱۷
متن شعر ----- ۱۷
۳- ای ز حریم تو حرم، گوشه ای ----- ۱۸
مشخصات ----- ۱۸
متن شعر ----- ۱۸
۴- ای حیات روح مطهر ----- ۲۰
مشخصات ----- ۲۰

متن شعر ۲۰
۵- واسه این دلم که آروم جز به شور و شین نمی ۲۲
مشخصات ۲۲
متن شعر ۲۳
۶- ای وجودت مطلع الانوار یا موسی بن جعفر ۲۳
مشخصات ۲۳
متن شعر ۲۴
۷- با رفیقا با شور و شین همه با ذکر یا حسین ۲۶
مشخصات ۲۶
متن شعر ۲۶
۸- امشب اگه خدا بخواد کبوتر حرم میشم ۲۶
مشخصات ۲۶
متن شعر ۲۷
۹- السلام ای چشمه ی جوشان مهر ۲۷
مشخصات ۲۷
متن شعر ۲۷
۱۰- من و توسل به صحن و سرای موسی بن جعفر ۲۸
مشخصات ۲۸
متن شعر ۲۹
۱۱- ای دو صد موسی به طورت ملتجی ۳۰
مشخصات ۳۰
متن شعر ۳۰
داستانی ۳۲
۱- روایت است که هارون به دجله کاخی ساخت ۳۲

مشخصات ----- ۳۲
متن شعر ----- ۳۳
شهادت ----- ۳۴
۱- از جفای تو فلک شکوه شد آغاز، مرا ----- ۳۴
مشخصات ----- ۳۴
متن شعر ----- ۳۵
۲- قسم بر ناله های زخم و زنجیر ----- ۳۵
مشخصات ----- ۳۵
متن شعر ----- ۳۵
۳- حبیب با حبیب خود به خلوتی صفا کند ----- ۳۶
مشخصات ----- ۳۶
متن شعر ----- ۳۶
۴- زیر زنجیر(۲)جان به جانان دادموسی بن جعفر ----- ۳۷
مشخصات ----- ۳۷
متن شعر ----- ۳۷
۵- چشم شب می گرید از تاریکی زندان من ----- ۳۸
مشخصات ----- ۳۸
متن شعر ----- ۳۸
۶- ناله ای سوخته از سینه ی سوزان آید ----- ۳۸
مشخصات ----- ۳۸
متن شعر ----- ۳۹
۷- آنکه عالم همه در دست توانایش بود ----- ۳۹
مشخصات ----- ۳۹
متن شعر ----- ۴۰

۸- ز موج اشک به چشمم نگاه زندانی است ----- ۴۰
مشخصات ----- ۴۰
متن شعر ----- ۴۰
۹- من که بی تقصیر در زندان گرفتارم خدایا ----- ۴۱
مشخصات ----- ۴۱
متن شعر ----- ۴۱
۱۰- ای شیعه بر تو باد درود و سلام من ----- ۴۱
مشخصات ----- ۴۲
متن شعر ----- ۴۲
۱۱- مهر و مه گرچه رو به شاه نکرد ----- ۴۳
مشخصات ----- ۴۳
متن شعر ----- ۴۳
۱۲- بدان معصومه جان بابا غریب است ----- ۴۴
مشخصات ----- ۴۴
متن شعر ----- ۴۴
۱۳- لحظه‌ی آخرم شده، تو کنج زندان مهیب ----- ۴۵
مشخصات ----- ۴۵
متن شعر ----- ۴۵
۱۴- کاش رضایم برسد در برم ----- ۴۵
مشخصات ----- ۴۵
متن شعر ----- ۴۶
۱۵- سوختم از زهر جفا، وای وای ----- ۴۶
مشخصات ----- ۴۶
متن شعر ----- ۴۶

۱۶- مرد غریبی، تنهای تنها ۴۷
مشخصات ۴۷
متن شعر ۴۷
۱۷- لحظه ی پر کشیدنت، دلم شده دریای خون ۴۸
مشخصات ۴۸
متن شعر ۴۸
۱۸- کسی که آسمو نیا، حاجت می گیرن از نگاش ۴۹
مشخصات ۴۹
متن شعر ۴۹
۱۹- من کیستـم؟ فـرشته ی عرش آشیانه ام ۴۹
مشخصات ۴۹
متن شعر ۴۹
۲۰- در دل حبسم و حبس است به دل فریادم ۵۰
مشخصات ۵۰
متن شعر ۵۰
۲۱- طایر توحید فتاد از نفس ۵۱
مشخصات ۵۱
متن شعر ۵۱
۲۲- من که شد زندان هارون قتلگاهم ۵۳
مشخصات ۵۳
متن شعر ۵۳
۲۳- همه عمرم به زندان ها سپر شد ۵۴
مشخصات ۵۴
متن شعر ۵۴

۲۴- بابا رضا به گوشه ی زندان خوش آمدی ----- ۵۵
مشخصات ----- ۵۵
متن شعر ----- ۵۵
۲۵- اندر این کنج قفس .... ----- ۵۵
مشخصات ----- ۵۵
متن شعر ----- ۵۶
۲۶- شیعیان عزم سفر جانب بغداد کنید ----- ۵۶
مشخصات ----- ۵۶
متن شعر ----- ۵۶
۲۷- دشمن تمام عشق را انکار می کرد ----- ۵۷
مشخصات ----- ۵۷
متن شعر ----- ۵۷
۲۸- بیا بیا به برم شکسته بال و پرم ----- ۵۸
مشخصات ----- ۵۸
متن شعر ----- ۵۸
۲۹- یا فاطمه نالم به پریشانی تو ----- ۵۹
مشخصات ----- ۵۹
متن شعر ----- ۵۹
۳۰- زیر زنجیر گران پیر شدم ----- ۵۹
مشخصات ----- ۵۹
متن شعر ----- ۵۹
۳۱- تاریکی و نمناکی زندان ----- ۶۰
مشخصات ----- ۶۰
متن شعر ----- ۶۰

۳۲- زندانیی که غیر خدا ... ۶۰
مشخصات ۶۰
متن شعر ۶۱
۳۳- صدای ناله ای از کنج زندان ۶۱
مشخصات ۶۱
متن شعر ۶۱
۳۴- سینه ها شد باغ ناله ۶۲
مشخصات ۶۲
متن شعر ۶۲
۳۵- باب الحوائج در کنج زندان ۶۳
مشخصات ۶۳
متن شعر ۶۳
۳۶- امشب کبوتر دلم راهی شد از بین قفس ۶۴
مشخصات ۶۴
متن شعر ۶۴
۳۷- کبوتر زخمی زهرایم ۶۵
مشخصات ۶۵
متن شعر ۶۵
۳۸- با خشتهای سنگی و ... ۶۶
مشخصات ۶۶
متن شعر ۶۶
۳۹- زهرا بیا به بغداد زندانیت شد آزاد ۶۷
مشخصات ۶۷
متن شعر ۶۷

۴۰- من آن شکسته دلم که خون شده جگرم ----- ۶۸
مشخصات ----- ۶۸
متن شعر ----- ۶۸
۴۱- دیگر دلم به سیر چمن وا نمی شود ----- ۶۹
مشخصات ----- ۶۹
متن شعر ----- ۶۹
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۷۰

بانک جامع اشعار مداحان جلد ۹

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۰

عنوان و نام پدیدآور:بانک جامع اشعار مداحان (جلد ۹)/ مهدی سروری (مداح)

مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع : حضرت امام موسی کاظم(ع)

حضرت امام موسی کاظم(ع)

ولادت

۱- اینجاست کاظمین که از کعبه برتر است

مشخصات

مناسبت کاظمین

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

اینجاست کاظمین که از کعبه برتر است

اینجا نسیم همنفس روح پرور است

اینجاست کاظمین که بگرفته در بغل

دو جسم پاک را که دو روح مطهر است

اینجا حریم حضرت ابن الرضا جواد

اینجا مزار و تربت موسی بن جعفر است

این است آن امام غریبی که همچنان

آثار زخم سلسله هایش به پیکر است

گویی هنوز از دل زندان رسد بگوش

آوای آن سلاله ی پاک پیمبر است

جسمی که بوده در غل و زنجیر سالها

تابوت او چرا دگر از تخته ی در است

گر بنگری هنوز به جسم شریف او

آثار تازیانه ی خصم ستمگر است

ای دیده خون ببار به یاد جواد او

آن کو غریب خانه و مقتول همسر است

سوزد دلم به یاد امامی که بر تنش

بالای بام سایه ز بال کبوتر است

در بین حجره با لب عطشان و چشم تر

گویی سرش به دامن زهرای اطهر است

گویی هنوز از لب او بانگ آب آب

بر گوش شیعه بلکه الی صبح محشر است

شمشیر و تازیانه و دشنام و زهر کین

اجر رسول بوده و پاداش حیدر است

«میثم» به مُلک هر دو جهان ناز می کند

زیرای گدای آل رسول است و حیدر است

۲– ای هفتمین ولی خدا هفتمین امام

مشخصات

مناسبت کاظمین

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای هفتمین ولی خدا همفتمین امام

بر کاظمین و صحن و سرایت ز ما سلام

موسای اهل بیتی و سینات کاظمین

تو با خدا و خلق جهان با تو هم کلام

تو کیستی وصی نبی حجت خدا

داری به کل خلق وجود اختیار تام

صحن تو بهر شیعه ی تو مسجد النبی

قبر تو کعبه و حرمت مسجد الحرام

دشمن ز کظم غیظ تو ممنون و شرمسار

هارون به پیش عزم تو از کف دهد زمام

باب تو جعفربن محمد پسر علی

دخت تو کیست؟ فاطمه ی فاطمه مقام

حاجات خلق در حرم قدس تو روا

باب الحوائجت ز خداوند گشته نام

ما سائل رهیم و تو دست عطای حق

تو خضر رحمتی و همه خلق تشنه کام

این غم کجا برم به که گویم که بهر تو

در حبس تیره فرق نمی کرد صبح و شام

فضائل

۱- ای هزاران موسی ات از طور آورده سلام

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای هزاران موسی ات از طور آورده سلام

وی مسیحا برده بر حبل المتینت اعتصام

موسی جعفر، امام العارفین، نورالهدی

روی قرآن، پشت دین، کهف التقی، خیرالانام

گوهر شش‌بحر نور استی و بحر پنج دُر

خود امام ابن امام ابن امام ابن امام

صحن زیبایت همـان صحن امیرالمؤمنین
کـاظمینت کـربلا و مـرقدت بیت‌الحرام
جان به خاک آستانت فرش چون بال ملک
دل در اطراف حریمت چون کبوتر گِردِ بام
هر دری از صحن زیبایت دو صد باب‌المراد
هـر قـدم از خـاک زوّار تـو یک دارالسلام
با همه ایمان کـه دارم کفـر نعمت کرده‌ام
گر به صحنینت برم از جنّت و فردوس، نام
با تـولّای تـو از اوّل حیـاتم شـد شروع
از تو گفتم، از تو گویم، تا شود عمرم تمام
کظم غیظت برده از دشمن هزاران‌بار دل
مهربانی‌هـات داده زخـم دل را التیـام
نه به دوزخ کار دارم، نه به محشر، نه بهشت
دوست دارم تا که در این آستان باشم غلام
چارده معصـوم را بـالله زیارت کرده‌است
هر که بر این آستان از دور گوید یک سلام
تـا ز راه دور قبـرت را زیـارت می‌کنم
بـوی جنت آیدم از چار جـانب بر مشام
ای مقـام «قاب قوسینِ» تـو در مطموره‌ها
وی میان سلسله با حیّ سبحان همکلام
خصم در زندان اسیرت کرده، کو تا بنگرد
طایـر آزادگـی بـر روی دسـت توست رام
دست در زنجیر و پا در کند و پیشانی به خاک
ذکر بر لب، روز و شب، اشکت به دیده صبح و شام
پای تابـوت تـو هم حتی اهانت شد به تو
خوب بگرفتنـد از فرزنـد زهـرا احترام
روز و شب با دوست در زیر غل و زنجیرها
حال می‌کردی هماره، ذکر می‌گفتی مدام
گاه در ذکر سجود و گاه در ذکر رکوع
گاه در حـال قعود و گاه در حال قیام
«سندی شاهک» رسانْدَت بر بدن، آزارها
آن یهودی خواست کز اسلام گیرد انتقام
روزها را روزه، شب‌ها در مناجات و نماز

دوره سالت به زندان بود چون ماه صیام

یوسف زهرا! شنیدم بر رخت سیلی زدند

با کدامین جرم مولا؟ بـا کدامین اتهام؟

پیکرت بر تخته‌ای با آن‌چنان جاه و جلال

تختـه ی در بـود روی شانـه ی چندین غلام

بود جسمت بر زمین، چون پیکر جدت سه روز

گریه بر مظلومی‌ات می‌کرد چشم خاص و عام

نه تنت بر خاک عریان، نه سرت بر نوک نی

نه حریمت را کسی آتـش زد ای عالی مقام!

نه تصـدّق داد کـس در کوفـه بر معصومه‌ات

نه عزیـزان تـو را بردنــد سـوی شهـر شام

تا جهان باقی است باید بهر جدت گریه کرد

آنکه بی او گریه بر هـر دیـده‌ای باشد حرام

اشـک او از دیــده ی هــر شیعه ریـزد متصل

داغ او در سینه‌هــا پیوستـه باشـد مستدام

چشم «میثم» اشک می‌ریزد به یاد کشته‌ای

کز غمش پیوسته گرید هفت‌باب و چارمام

۲– قربون گنبدی که خیلی غریب و با صفاست

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

موسی بن جعفر ـ مدد مدد (۴)

قربونِ گنبدی که خیلی غریب و با صفاست

ضریحش همسایه‌ی کرب و بلای عاشقاست

تو امامِ کاظم و باب الحوائجِ منی

پای روضه‌هات داری به قلبم آتیش می‌زنی

* * *

اشکِ چشمِ من روونه از بهونت آقا جون

یه گدا اومده امشب درِ خونت آقا جون

اگه تو ردّم کنی بی سر و سامون می‌مونم

تک و تنها میونِ دنیا هراسون می‌مونم

* * *

غریبِ غریب نواز از تو اشارتی می خوام

زخم من دوا می‌خواد روای حاجتی می‌خوام

عمری پر بسته بودم طائرِ قبرت نشدم

زندگیم تموم شد و زائرِ قبرت نشدم

۳- ای ز حریم تو حرم، گوشه ای

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای ز حریم تو حرم، گوشه ای

وی ز عطای تو جنان خوشه‌ای

موسی طور ازلیّت سلام

مشعل نور ازلیّت سلام

روح مناجاتی و خیرالعباد

قبله ی حاجاتی و باب المراد

هفت فلک گوشه‌ای از درگهت

هشت بهشت آمده فرش رهت

بحر ولایت گهر فاطمه

موسی جعفر، پسر فاطمه

پلـه ی تختـت قلـلِ عـالمین
جای گرفتی ز چه در کاظمین؟
ای همه شب دور سرت گشته عرش
پـای نهـادی ز چـه در چشم فرش؟
برتـر از آنـی کـه ثنـایت کـنم
جان چه بـود تا که فـدایت کنم؟
بیـن امامـان بنـی فاطمـه
حلم تو مشهورتر است از همه
هـم به قضا هم به قدر ناظمی
کاظمـی و کاظمی و کاظمی
سلسلـه پیمـان تو از ابتداست
سیر عروج تو ز خود تا خداست
رشتـه ی تسلیـم تـو زنجیرها
مشعل شب‌های تـو تکبیرها
محبس تو سینه ی سینـای نور
قعر سیه‌چال بـه از کوه طور
زمزمه‌هـای تـو صدای خدا
هـر نفسـت بـود بـرای خدا
در دل تـاریک سیـه چال‌ها
همسخن دوست شدی، سال‌ها
یوسف فاطمـه تـو و قعـر چـاه؟
همدم شام و سحرت اشک و آه؟
محبس در بستـه ی تـو چاه بود
هـر نفسـت سیـر الـی‌الله بود
خصم ستمکار حقیر تو بود
سلسله پیوسته اسیر تو بود
نـور ز نـار تـو بـرافروخته
زهر ز سوز جگـرت سوخته
بسته همه روزنه‌هـای قفس
تنگ شده در دل تنگت نفس
کس نشنیده شجـر طور دل
غرق شود در وسط آب و گل
چاه کسی دیده شود حبس ماه؟

ماه شنیدید که افتد به چاه؟

کشته ی صیاد ستمگر شدی

مشت پری گشتی و پرپر شدی

گرچه ز جاه تو خبر داشتند

چار نفر جسم تو برداشتند

حیف که شد با همه خون دلت

مشیّع جنازه‌ات قاتلت

بر همگان داد ندا آن لعین

که رهبر رافضیان است این

حیف که خون جگرت قوت شد

تخته ی در، بهر تو تابوت شد

ای علی و فاطمه را نورعین

وی دل بشکسته تو را کاظمین

ماه رجب بر تو محرّم شده

وقف غمت گریه ی «میثم» شده

۴- ای حیات روح مطهر

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای حیات روح مطهر

وی بقای عالم اکبر

هشتمین ستاره ی عصمت

هفتمین وصیّ پیمبر

یا ولیّ خالق منّان

یا امام موسی جعفر

درِّ هفت بحرِ فضیلت

بحرِ شش فروزانْگوهر

هم ز وصف خلق، مبرّا

هم ز حد مدح، فراتر

هم قضا تو راست به فرمان

هم قدَر تو راست مقدّر

بال ده به مرغ عروجم

تا به کاظمیْن زنم پر

کاظمین، قبله ی جان‌ها

کاظمین، خانه ی دلبر

کاظمین، خاک دو مولا

کاظمین، شهر دو سرور

تا دهم به بارگهت جان

تا نهم به خاک درت سر

کرده‌ام مشام دلم را

از ولایت تو معطّر

خاک و باد و آتش و آبند

در اراده ی تو مسخّر

جز درت پناه ندارم

سیّدی مرانم از این در!

گر از این درم برهانی

باز آیم از درِ دیگر

شیر با ولای تو خوردم

پیشتر ز خلقت مادر

من کی‌ام که مدح تو گویم

ای همه خدات ثناگر

ماه آفتاب، شمایل

آفتابِ فاطمه منظر

چون رضات، نور دودیده

همچو فاطمه به تو دختر

او امام کلّ خلایق

این حبیبهٔاللهِ داور

دور با اشاره ی چشمت

می‌زنـد سپهـر مـدوّر

آن چنان که با یدِ موسی

چوب خشک می‌شود اژدر

مهر تو چو خلق مـرا هم

هم چو ذرّه داشته در بر

خـار بـوده‌ام، شده‌ام گل

خاک بـوده‌ام، شده‌ام زر

کظم غیظ تو همه احمد

دست و تیغ تو همه حیدر

جای جـای عالـم هستی

از ذراری تـــو منـوّر

بس امامزاده که دیدم

بود نجلِ موسی جعفر

این بوَد تجلّیِ زهرا

ایـن بـوَد نتیجه ی کوثر

ای امـام نـورا! چگونـه

حبس تیره شد به تو بستر؟

تیرگی تو را شده مونس

سلسله تو را شده یاور

آفتاب و سلسله؟ هرگز

ایـن مـرا نیایـد باور

تـا ولـی‌عصـر نیـاید

آن امیـد اوّل و آخـر

داغ توست بر جگر ما

زخم تو هماره به پیکر

کاش دور حبس تو می‌شد

پـر زنـم بسـان کبـوتر

نخل «میثم» است که دائم

می‌دهـد ز اشک غمت بـر

۵– واسه این دلم که آروم جز به شور و شین نمی

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

واسه این دلم که آروم جز به شور و شین نمی شه

زیر این گنبد دوار هیچ جا کاظمین نمی شه

واسه اون دلهائی که دل نیست تو دلهاشون همیشه

هیچ جایی برا دلاشون مثل کاظمین نمی شه

دو تا آقا دو تا مولا دو تا شاه تک و تنها

دو تا دلبر دو تا رهبر دو تا نور چشم زهرا

هر کسی که اونجا رفته میگه اونجا فوق عرشه

بال هر فرشته اینجا زیر پا زائرا فرشه

واسه اون دلهائی که زود میشه دلتنگ و هوایی

خدا تو اینجا گذاشته دو تا گنبد طلائی

دو خدایی دو ولائی دو امام دلربایی

توی غربت توی محنت هر دو تا شده فدایی

یکیشون امیر عالم روشنی بخش نگامه

یکیشون شاه جوونا پسر امام رضامه

یکیشون اوج غریبی یکیشون عشق و نشون داد

یکیشون گوشه ی زندون یکیشون تو حجره جون داد

دو تا مه رو دو تا دلجو دو تا گل شاه خوش ابرو

قمر عشق پسر عشق پدر ضامن آهو

۶- ای وجودت مطلع الانوار یا موسی بن جعفر

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای وجودت مطلع الانوار یا موسی بن جعفر

ای جلالت برتر از گفتار یا موسی بن

جعفر

ای رواقت کعبه ی دل وی حریمت طور سینا

ای هزاران موسی ات زوار یا موسی بن جعفر

ای خوش آن بیمار کز فیض تو می جوشد شفایش

ای هزاران عیسی ات بیمار یا موسی بن جعفر

از تو می گیرد تجلی سینه ام چون طور سینا

وز تو باشد چشم دل بیدار یا موسی بن جعفر

دردمندم مستمندم بی پناهم روسیاهم

هر که هستم با تو دارم کار یا موسی بن جعفر

کظم غیظ و حسن خلقت دل برد حتی ز دشمن

همچو جدت احمد مختار یا موسی بن جعفر

می توانی در ز خیبر سر ز جسم عمرو گیری

در غزا چون حیدر کرار یا موسی بن جعفر

در دهانم می شود در سخن قند مکرر

چون کنم مدح تو را تکرار یا موسی بن جعفر

پیش عفو و پای جود و نزد احسانت بود کم

هر چه باشد حاجتم بسیار یا موسی بن جعفر

هر که بودم با تو بودم هر که هستم با تو هستم

در گلستان شمایم خار یا موسی بن جعفر

ای که دشمن داد دشنام و نوازش کردی از او

دوستم دستی به سویم آر یا موسی بن جعفر

دل بسوی تربتت دست دعا بر آسمانم

بلکه یابم در حریمت بار یا موسی بن جعفر

نیست آن قدرم که گردم زائر صحن و سرایت

خاک زوارت مرا بشمار یا موسی بن جعفر

هدیه هر کس از برای یار آرد گوهری را

این من و این چشم گوهر بار یا موسی بن جعفر
من به عالم گفته ام خاک در این آستانم
لطف کن پا بر سرم بگذار یا موسی بن جعفر
کی شود دور ضریحت گردم و گریم برایت
با دلی سوزان و حالی زار یا موسی بن جعفر
تو همه آزادگان را یاری از لطف و کرامت
از چه در زندان نداری یار یا موسی بن جعفر
تیغ آتشبار بر کف گیرم و خونش بریزم
جز تو دل خواهد اگر دلدار یا موسی بن جعفر
تو سیه چال بلا را رشگ کوه طور کردی
روز و شب با ذکر و استغفار یا موسی بن جعفر
از چه در زندان به جز زنجیر غمخواری نداری
ای به خلق عالمی غمخوار یا موسی بن جعفر
با کدامین جرم شد ساییده ساق پات مولا
از چه دیدی روز و شب آزار یا موسی بن جعفر
بر تو می گریم که زندان تو حتی روز روشن
بوده تیره تر ز شام تار یا موسی بن جعفر
بر تو می گریم که از زنجیر و کند و تازیانه
بر تن پاکت بود آثار یا موسی بن جعفر
بر تو می گریم که در خاک وطن ذریّه ات را
گرد غربت مانده بر رخسار یا موسی بن جعفر
بر تو می گریم که بودی روزه و هنگام مغرب
کردی از خون جگر افطار یا موسی بن جعفر
بر تو می گریم که از خرمای زهر آلود دشمن
بود در قلبت شرار نار یا موسی بن جعفر
برتو می گریم که تابوت تو بود از تخته ی در
در میان کوچه و بازار یا موسی بن جعفر
کند بر پا ، غل به گردن ، اشک بر رخ ، زهر در دل
شد نصیب حضرتت هر چار یا موسی بن جعفر
من نمی دانم در آن زندان چه دیدی لیک دانم
مرگ خود را دیده ای صد بار یا موسی بن جعفر
راه مشکل، بار سنگین، قامت «میثم» خمیده
کوه غم از دوش او بردار یا موسی بن جعفر

۷- با رفیقا با شور و شین همه با ذکر یا حسین

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

با رفیقا با شور و شین همه با ذکر یا حسین

دلامونو به هم دادیم تا رسیدیم به کاظمین

با رفیقا بعد یه عمر که ما به اونجا رسیدیم

کنار هم تو غریبی دو گنبد طلا دیدیم

دو تا حرم دو تا غریب پاره های قلب رضا

از اونجا رفتیم بگیریم اذن ورود به کربلا

تو حرم امام جواد دلم توی خراسونه

تا که میای تو حرمش غمو ز قلبت می رونه

تو کاظمین آدم دلش پیش جواد جوون میشه

خوش بحال اونکه یه شب تو حرمش مهمون می شه

از حرم موسی بن جعفر بوی غربت میرسه

تو حرمای عالمین این آقا خیلی بی کسه

می خوام بگم امام رضا آقا بجون مادرت

بیا بیا امشب بگو غریب تویی یا مادرت؟

۸- امشب اگه خدا بخواد کبوتر حرم میشم

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب اگه خدا بخواد کبوتر حرم میشم

سر می زنم به کاظمین مهمون ذوالکرم میشم

امشب اگه خدا بخواد پر می زنم تا کاظمین

یه سر می رم به سامرا یه سر میرم پیش حسین

دلم می خواد از حرمت تا کربلا پل بزنم

به گنبد قشنگ تو از صبح تا شب ذُل بزنم

با تو دلم صفا گرفت بوی امام رضا گرفت

تا اسم کاظمین اومد بهونه کربلا گرفت

می خوام که بر ضریح تو دست توسل بزنم

تموم کوچه های کاظمین و من گل بزنم

وقتی که اسم تو میاد امام رضایی میشه دل

بذار که حرفمو بگم کرببلایی میشه دل

۹- السلام ای چشمه ی جوشان مهر

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

السلام ای چشمه ی جوشان مهر

هفتمین مهر فروزان سپهر

السلام ای قافله سالار صبر

تا ابد ای دیده ی بیدار صبر

السلام ای ساقی دریای نور

آرزومند تماشای تو حور

السلام ای واصل سیمای حق

نور رویت روشنی بخش فلق

السلام ای آسمان روشن ز تو

دامن هر گلستان روشن ز تو

السلام ای دلبر مستان مست

دلربای هر دل زیبا پرست

السلام ای ماه زیبای وجود

ای که یوسف در تمنای تو بود

صد چو یوسف چون زلیخای تو أند

تیغ بر دستند و شیدای تو أند

دست هر بیننده ای پر خون توست

هر چه لیلی آمده مجنون توست

هر چه گوئیم از جمال تو کم است

گوشه ای از حسن رویت عالم است

گوشه چشمی کردی و هستی رسید

از نگاهت جرعه ی مستی چکید

هر دو عالم باب حاجاتی مرا

قبله ی منظور طاعاتی مرا

آمده باب الحوائج نام تو

جان فدای نام دل آرام تو

سائلیم و ما گدایانت همه

کن کرم ای یادگار فاطمه

۱۰- من و توسل به صحن و سرای موسی بن جعفر

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من و توسل به صحن و سرای موسی بن جعفر

سر ارادت نهادم بپای موسی بن جعفر

جهان هستی و جانش فدای نطق و بیانش

که لب گشاید به مدح و ثنای موسی بن جعفر

قسم به جان رضایش بکوش بهر رضایش

رضای حق را بجو در رضای موسی بن جعفر

به ذات حق کن توکل به سوی او بر توسل

که کل رحمت بود در عطای موسی بن جعفر

هزار خاقان و قیصر کم از غلام غلامش

هزار حاتم گدای گدای موسی بن جعفر

کلیم مدهوش طورش عصا به کف در حضورش

مسیح بیمار دارالشفای موسی بن جعفر

نه می دهم دل به طور و نه می کنم رو به سینا

که سینه ام گشته دارالولای موسی بن جعفر

عدوست مرهون فیضش به حیرت از کظم غیظش

کع فیض گیرد به غیظ از دعای موسی بن جعفر

کجا نیازم به درمان و یا به ناز طبیبان

که درد خواهم به شوق دوای موسی بن جعفر

ز عالمی پا کشیدم به کوی جانان رسیدم

ز ما سوی دل بریدم سوای موسی بن جعفر

نه عاشق خنده ی گل نه مستم از صوت بلبل

که خیزد از بند بندم نوای موسی بن جعفر

خوشم که صورت گذارم شبی به دیوار زندان

که بشنوم نغمه ی دلربای موسی بن جعفر

ز دیدگان اشک ریزد ندای العفو خیزد

دل سحر از طنین صدای موسی بن جعفر

به سجده آن جان جانان چنان شده نقش زندان

که گشته تن در نظر چون عبای موسی بن جعفر

ز خاندانش جدا شد به یاری دین فدا شد

الا که جان دو عالم فدای موسی بن جعفر

نگشت با آن غم دل ز دوست یک لحظه غافل

نبود زنجیر قاتل سزای موسی بن جعفر

خدا گواهی ز دردم چه می شود دفن گردم

به دامن تربت با صفای موسی بن جعفر

ز گریه بسته گلویم کجا روم با که گویم

که خون روان شد به زندان ز پای موسی بن جعفر

سیاه چال، آشیانه به کتف و گردن نشانه

غروبها تازیانه غذای موسی بن جعفر

چو باغبان در غم گل ز هجر و سنگینی غُل

خمیده گردیده قدّ رسای موسی بن جعفر

جنازه بر تخته ی در مشیّعش گشته مادر

فتاده زاری کنان در قفای موسی بن جعفر

سرشک غم آب و دانه شراره ی دل ترانه

خموش شد مخفیانه صدای موسی بن جعفر

رضا کند آه و زاری به موج غم گشته جاری

ز چشمه معصومه اشک عزای موسی بن جعفر

به سینه تا هست آهش به ناله تا هست سوزش

هماره «میثم» بگرید برای موسی بن جعفر

۱۱- ای دو صد موسی به طورت ملتجی

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای دو صد موسی به طورت ملتجی

آفتاب و مه به نورت ملتجی

ناله ی پنهان تو شمشیر تو

حلقه ی وصل خدا زنجیر تو

شمع خلوتگاه بزم کبریا

کعبه ی روح بلند انبیا

گوهر رخشان شش دریای نور

نخل سبز نور بخش هشت طور

آسمان پنج خورشید کمال

هفتمین وجه خدای ذوالجلال

عرش اجلال و شرف را قائمه

حاصل عمرت رضا و فاطمه

انس با معبود روح نیّتت

حبس دشمن شاهد حرّیتت

روح عرفان در مناجات شبت

آسمان لبریز یارب یاربت

ذکر، مشتاق و دعا دلداده ات

اشک تنهایی گل سجاده ات

نام حق گل کرده از لب های تو

گریه، شمع محفل شب های تو

آیه های نور، مشتاق صدات

جان شب بیدارها بادا فدات

قبله ی دل باب حاجات همه

ناله ات صوت مناجات همه

حبس تو خلوتگه دلدار بود

سلسله خوشتر ز زلف یار بود

ای دل مطموره ها زندان تو

حلقه ی زنجیرها گریان تو

حبس تو از قلب شب تاریک تر

با خدا از هر زمان نزدیک تر

ای همای اوفتاده از نفس

تو کجا و دامن تنگ قفس؟

تیره تر از گوشه ی زندان تو

سینه ی تاریک زندانبان تو

بارها و بارها و بارها

دیده در حبس عدو آزارها

حیف، مولا لحظه ی جان دادنت

بود زنجیر عدو بر گردنت

لحظه لحظه می شکست آیینه ات

وقت رفتن بود سنگین سینه ات

همچو جدت از همه محروم تر

نیست زندانی ز تو مظلوم تر

زهر، آتش شد، تو را بی تاب کرد

آب کرد و آب کرد و آب کرد

پیکرت را چار تن برداشتند

روی تخته پاره ای بگذاشتند

گر چه باید در عزایت خون گریست

گر چه زندانی چو تو مظلوم نیست

اشک ما جاری است عمری از دو عین

بر تو بر جدّ مظلومت حسین

جسم پاک تو به دوش چار تن

جسم جدت ماند بی غسل و کفن

پیکر تو در غل و زنجیرها

پیکر او طعمه ی شمشیرها

جسم تو از زهر دشمن شد کبود

جسم او را ز خم روی زخم بود

زخم ما زخم تن صد چاک اوست

اشک «میثم» وقف خون پاک اوست

داستانی

۱- روایت است که هارون به دجله کاخی ساخت

مشخصات

مناسبت داستانی

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

روایت است که هارون به دجله کاخی ساخت

به وجد و عشرت و شادی خویش پرداخت

مغنیان خوش آواز و مطربان در ان

به گرد مسند او پایکوب و دست افشان

در آن سرور وشعف خواست شاعری خوش ذوق

که آورد همگان را ز شوق بر سر ذوق

بگفت تا که بیاید ابوعطا به حضور

به شعر ناب فزاید بر آن نشاط و سرور

ابوالعطا که بر شعر و شاعریش سرود

ز بی وفایی دنیا زبان به نظم گشود

ز مرگ و قبر و قیامت سرود اشعاری

که اشک دیده ی هارون به چهره شد جاری

چنان به محفل مستان به هوشیاری خواند

که شعر او تن هارون مست را لرزاند

زبان گشود به تحسین که ای بلند مقام

کلام نغز تو شعر و شعور بود و پیام

خلیفه را سخنان تو داد آگاهی

ز ما بگو صله ی شعر خود چه می خواهی؟

بگفت گنج و درم بر تو باد ارزانی

مرا به حبس بود یک امام زندانی

مراست یار عزیزی که چهاره سال است

گهی به گوشه ی زندان گهی سیه چال است

ضعیف گشته به زیر شکنجه ها تن او

بود جراحت زنجیرها به گردن او

من از تو هیچ نخواهم مقام و مکنت و زر

بغیر حکم رهایی موسی جعفر

چو یافت خواهش آن شاعر توانا را

نوشت حکم رهایی نجل زهرا را

نوشته را به همان شاعر گرامی داد

بگفت صبح امام تو می شود آزاد

ابوالعطا به شادی نخفت آن شب را

گشوده بود به شکرانه تا سحر لب را

بدین امید کز او قلب فاطمه شاد است

به وقت صبح عزیزش ز حبس آزاد است

علی الصباح روان شد به جانب زندان

لبش به خنده و چشمش به شوق اشک فشان

اشاره کرد به سندی که طبق این فرمان

عزیز ختم رسل را رها کن از زندان

به خنده سندی شاهک جواب او را داد

که غم مدار امامت شود ز حبس آزاد

ابوالعطا نگاهش به جانب در بود

در انتظار عزیز دل پیمبر بود

که در گشوده شد و شد برون چهار نفر

به دوششان بدنی بود روی تخته ی در

هزار جان گرامی فدای آن پیکر

که بود پیکر مجروح موسی جعفر

گشوده بود ستم پیشه ای به طعنه زبان

که هست این بدن آن امام رافضیان

امام موسی جعفر که جان فدای تنش

اگر چهار نفر شد مشیع بدنش

مشیعین تن پاک یوسف زهرا

شدند ده تن هنگام ظهر عاشورا

به اسبها ز ره کینه نعل تازه زدند

چه زخمها که دوباره بر آن جنازه زدند

چنان ز کینه عدو اسب بر تن او تاخت

که در میانه ی مقتل سکینه اش نشناخت

شهادت

۱– از جفای تو فلک شکوه شد آغاز، مرا

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از جفای تو فلک شکوه شد آغاز، مرا

مکن آزار در این مانده نفس باز، مرا

ای فلک این همه جان و تنِ من آزردی

من رضایم ز تو امّا تو رها ساز، مرا

روزهایم همه شب کردی و شب‌ها همه تار

بیش از این در محن و غصه مینداز، مرا

بی وفایی تو بسیار شد آخر بس کن!

با غل و سِلسِل و زنجیر مکن ناز، مرا

باز کن بند از این مرغِ زمین افتاده

مددی کن تو در این لحظه‌ی پرواز، مرا

با تنِ زخمی و رنجور چگونه بروم؟

مادر غمزده‌ام می‌کند آواز، مرا

رسم میهمانی زریه‌ی زهرا این است

تن گلگون، دلِ پر خون، لبِ پر راز، مرا

۲- قسم بر ناله های زخم و زنجیر

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

قسم بر ناله های زخم و زنجیر

دلم را کرده‌ای از ماتمت پیر

قسم بر سجده‌های کُنجِ زندان

غریبی‌ات شده در سینه چون تیر

از این زندان به آن زندان روانه

ز دستِ زندگی آخر شدی سیر

جهانْ کوچک به پیشِ غصه‌هایت

یکی دردِ تو را کی شرح و تصویر؟

شده چشمم به پشتِ اشک زندان

بیا دست منِ افتاده را گیر

ضریحت را ندیدم وادریغا

کنم ناله از این احوال و تقدیر

بیا موسی بن جعفر از سرِ لطف

دلم را با نگاهی کن تو درگیر

دلم را بر ضریحت چون دخیلی

ببند و با ولایت کن تو تسخیر

۳- حبیب با حبیب خود به خلوتی صفا کند

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

حبیب با حبیب خود به خلوتی صفا کند

ندانم از چه بی گنه عدو به او جفا کند

سرشک غربتش روان نوا زند زنای جان

نهان زچشم دشمنان بدوستان دعا کند

به پیکرش نشانه ها به سینه اش ترانه ها

که زیر تازیانه ها رضا رضا رضا کند

به دست ها سلاسلش زغصه سوخت حاصلش

چه می شود که قاتلش ز فاطمه حیا کند

فتاده در ملالها به عشق و شور و حالها

در آن سیاه چالها خدا خدا خدا کند

فتاده دیگر از نوا برو به دیدنش صبا

بپرس مرغ کشته را کی از قفس رها کند

به خاک بی کسی سرش کسی نبود در برش

کجاست تا که دخترش اقامه عزا کند

اثر نمانده از تنش دلا برو به دیدنش

بگیء عدو ز گردنش غلی که بسته وا کند

به هر دلیست ماتمش شکسته کوه را غمش

عجب مدار (میثمش)قیا مت ار به پا کند

۴- زیر زنجیر(۲)جان به جانان دادموسی بن جعفر

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

زیر زنجیر(۲) جان به جانان داد موسی بن جعفر

وای من وای (۲) خسته دل جان داد موسی بن جعفر

این کبوتر عاقبت از قفس رفت

با پر بکشسته اش از قفس رفت

یا مظلوم موسی بن جعفر(۲)

*****

چشم خود بست(۲) گوشه ی زندان موسی بن جعفر

شد به زهرا(۲) قد خم مهمان موسی بن جعفر

مثل مادر صورتش گشته نیلی

از مغیره طینتان خورده سیلی

یا مظلوم موسی بن جعفر(۲)

*****

مثل مادر(۲) در دعا می خواست موسی بن جعفر

مرگ خود را(۲) از خدا می خواست موسی بن جعفر

آخر ای دل مستجاب شد دعایش

گوشه ی زندان شد خموش شد صدایش

یا مظلوم موسی بن جعفر(۲)

*****

۵- چشم شب می گرید از تاریکی زندان من

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چشم شب می گرید از تاریکی زندان من

لیک بر حالم زند لبخند زندانبان من

دامن دیوار زندان اشک من را پاک کرد

چونکه رفته تاب بالا رفتن از دستان من

من در این زندان تماشای مدینه می کنم

جای سیلی تا بود بر گوشه ی چشمان من

۶- ناله ای سوخته از سینه ی سوزان آید

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ناله ای سوخته از سینه ی سوزان آید

وین نوائیست که از گوشه زندان آید

آن چه زندان که سیه چال بود از دهشت

شبو روزش به نظر تیره و یکسان آید

های هارون که گرفتار تو شد موسی عصر

شب و روز تو و او هر دو به پایان آید

سالها این پسر فاطمه مهمان تو هست

هیچ گفتی که چه ها بر سر مهمان آید

همدم آن پدر پیر زچندین اولاد

طفل اشکی است که از دیده به دامان آید

امشب از غربت او سلسله هم می نالد

که آن جگر سوخته را عمر به پایان آید

کندو زنجیر از آ« جان بزندان مأنوس

نکشد دست اگر بر لب او جان آید

گرچه این زمزمه خاموش شود تا به ابد

بانگک مظلومیش از سینه باران آید

۷- آنکه عالم همه در دست توانایش بود

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آنکه عالم همه در دست توانایش بود

مرکز دایره غم دل دانایش بود

هفتمین حجت معصوم ز ظلم هارون

چارده سال به زندان ستم جایش بود

دل موسای کلیم از غم این موسی سوخت

که به زندان بلا طور تجلایش بود

معنی قعر سجون باید و ساق المَرضُوض

پرسی از حلقه زنجیر که بر پایش بود

یاد حق هم نفس گوشه تنهایی او

اه دل روشنی خلوت شبهایش بود

بس که غم دید زندان و زندان بانش

زندگی بخش جهان مرگ تمنایش بود

نه همین زهر جفا بر دلش افروخت شرر

زشهادت اثری بر همه اعضایش بود

یوسف فاطمه یارب چه وصیت فرمود

که پس از مرگ همی سلسله بر پایش بود

۸- ز موج اشک به چشمم نگاه زندانی است

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ز موج اشک به چشـمم نگاه زنـدانی است درون سـینه ام از غصه آه زنـدانی است نه فرصتی نه توانی که راز دل گویم بیان راز دلم در نگاه زندانی است سـتاره ها مگر از آسـمان فرو ریزند بود روا که به زنجیر ماه زندانی است امام عدلو فضـیلت اسـیر هارون است خدای عشق و محبت به چاه زندانی است ز تیرگی سبو روزش تفاوتی نکند به محبسی که ول یاله زندانی است زاشک دیده چراغی

مگر بر افروزد سپیده ای که به شام سیاه زندانی است خبر دهید به زهار که یوسف دگرت به جرم اینکه ندارد گناه زندانی است

۹- من که بی تقصیر در زندان گرفتارم خدایا

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من که بی تقصیر در زندان گرفتارم خدایا

از چه دشمن می دهد این قدر آزارم خدایا

من که از زندان زمین گیرم نباشد

حاجتی دیگر به زنجیر گرانبارم خدایا

آه از این زندان ظلمانی و زندانبان ظالم

وه کجا افتاده در غربت سرو کارم خدایا

جز فروغ گوهر اشکی که با یاد تو ریزم

کس نیفروزد چراغی در شب تارم خدایا

عاشقان را خواب در چشمان نمی اید از آنرو

روز و شب با ذکر تو مشغول و بیدارم خدایا

ای که می بخشی نجات از بین آب و گل شجر را

کن خلاص از محبس هارون تن زارم خدایا

جان زحسرت بر لب آمد وندیرین ساعات آخر

دیدن روی رضا را آرزو دارم خدایا

کو رضا آرام جانم کو رضا روح و روانم

تا از او روشن شود چشم گهر بارم خدایا

بر «مؤید» مرحمت فرما طواف مرقدم را

چونکه اشعارش بود مقبول دربارم خدایا

۱۰- ای شیعه بر تو باد درود و سلام من

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای شیعه بر تو باد درود و سلام من

وقت است بشنوید فرازی کلام من

عمرم نه صرف شد به سیه چالها عبث

کز بهر شیعه بود همه اهتمام من

در انزوا نبود همه عمر من که بود

در سجده گاه گوشهء زندان قیام من

روزی که غصه خلق شد از حکمت خدا

بگزید غصه را دل والا مقام من

چون جام عشق فال به نام حسین زد

از غبطه رفت در طلب درد جام من

من آن امام مفترض الاطاعه ام که شد

از اقتدار کنج سیه چال دام من

تنها نی ام (نیستم)، غریب نی ام، بی نوا نی ام

زهراست آنکه بود انیس مدام من

بی جرم و بی گناه به زندان گذشت عمر

نه بلکه بود نسل علی اتهام من

زندان مرا به خویش چه خوش داد عادتم

دیگر نداشت فاصله ای صبح و شام من

همچون درخت ریشه دواندم به قعر خاک

خلصنی یاربم شده بود التیام من

از بس که مانده ظاهری از استخوان و پوست

دیگر نبود طاقتی از استلام من

بغض یهود قدرت سیلی فزون کند

زهراست باخبر ز رخ نیل فام من

هر ناسزا و فحش نثارم حلال بود

هرگونه لطف و جود و نوازش حرام من

هارون بدست ظلم نگهبان کافرش

می خواست بشکند حرم احترام من

با کام روزه زیر شکنجه لبان خشک

افطار زهر بود بهشتی طعام من

امضای نیلی غل و زنجیر بر تنم

تاکید دیگری است به حسن ختام من

با کام تشنه بر همهء شیعیان خود

همراهی حسین یگانه پیام من

مهدی کجاست تا که بگیرد ز دشمنان

با ضرب ذوالفقار علی انتقام من

۱۱- مهر و مه گرچه رو به شاه نکرد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مهر و مه گرچه رو به شاه نکرد

روز را ازشب اشتباه نکرد

به کدامین گنه به زندان رفت

او که در عمر خود گناه نکرد

رگ به رگ شد تمام پیکر او

رگ غیرت ولی تباه نکرد

زن رقاصه مو پریشان شد

سر مویی ولی نگاه نکرد

واقعاً موی او خضاب نداشت

خلق را هیچ گه سیاه نکرد

غل از او رخصت جدایی خواست

شه به حرفش ولی نگاه نکرد

به همه سینه ی پناه گشود

کس به او صحبت از پناه نکرد

چهارده سال آفتاب نخورد

رشد,جایی چنین گیاه نکرد

رد شلاق مانده بر بدنش

بر تنش رخت راه راه نکرد

چار غل بست و چار قل وا کرد

لیک قطع دل از اله نکرد

جز دو ابرو و خیل مژگانش

هیچ گه رغبت سپاه نکرد

روزه اش را به اشک دیده ی خود

گاه افطار کرد و گاه نکرد

۱۲– بدان معصومه جان بابا غریب است

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بدان معصومه جان بابا غریب است

رضا جان بی تو این دل بی شکیب است

به بالینم نیایید ای عزیزان

که جای من سیه چالی مهیب است

۱۳- لحظه‌ی آخرم شده، تو کنج زندان مهیب

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

لحظه‌ی آخرم شده، تو کنج زندان مهیب

خدا براتون نکنه، عمری به این سختی نصیب

وقتی در و باز می‌کنن پرنده ی کُنج قفس

با آب و دونه می‌گیره هم یه امید هم یه نفس

وقتی کسی برای من درِ قفس وا می‌کنه

ضربه‌ی تازیانه‌اش تنم رو غوغا می‌کنه

زندونای فراوونی، شکسته پیشِ صبرِ من

گمون کنم این آخری، باشه محلِ قبرِ من

شکنجه‌های این محل، با همه خیلی فرق داره

همش کنار، فقط یکیش، آتیش به قلبم می‌زاره

شکنجه‌گر تا می‌رسه، از رازِ یک جفا می‌گه

با ضربه‌ی شلاقِ خود، مادر و ناسزا می‌گه

من که در این زندون غم، روی زمین مونده سرم

پروانه شمعِ علی، پیش مرگِ عشقِ مادرم

۱۴- کاش رضایم برسد در برم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

کاش رضایم برسد در برم

تا که شود مرحمِ چشمِ ترم

پای به غل، عقده و خون در گلو

وای الهی نرسد مادرم

۱۵- سوختم از زهر جفا، وای وای

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سوختم از زهرِ جفا، وای وای

ز دشمنان بی وفا ـ وای وای

من که غریبم آشنایم بیا

شرح تمامِ عقده‌هایم بیا

سرم به خاک است و به دامن بگیر

غریب‌تر از منی رضایم بیا

سوختم از زهرِ جفا ـ وای وای

ز دشمنان بی وفا ـ وای وای

حلقه‌ی زنجیر تنم خورده است

ساق من از زجرِ غل آزرده است

بیا ببین کُنجِ کویرِ عذاب

گل وجودم که چه پژمرده است

سوختم از زهرِ جفا ـ وای وای

ز دشمنان بی وفا ـ وای وای

وای که دشمن چه به روزم نشاند

زخمِ جنایت به تن و جان کشاند

کینه‌ی بابای غریبم علی

زهرِ عدوات به دلِ من چشاند

سوختم از زهرِ جفا ـ وای وای

ز دشمنان بی وفا ـ وای وای +

۱۶- مرد غریبی، تنهای تنها

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مرد غریبی، تنهای تنها

سر را نهاده ـ بر خاکِ غمها

گویا که بر لب زمزمه دارد

ذکرِ یا امّی فاطمه دارد

موسی بن جعفر ـ حضرت کاظم (۳)

او عقده‌هایش ـ فوق زمان است

گریانِ هجرش ـ نه آسمان است

بنگر به زندان گشته زمین‌گیر

جسمِ شهیدِی در غل و زنجیر

موسی بن جعفر ـ حضرت کاظم (۳)

افتاده از پا ـ مسموم و مسجون

دل از غمش شده ـ همواره مجنون

در کُنجِ زندان نورِ دو عین است

او از تبارِ پاکِ حسین است

موسی بن جعفر ـ حضرت کاظم (۳)

۱۷– لحظه ی پر کشیدنت، دلم شده دریای خون

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

لحظه‌ی پر کشیدنت، دلم شده دریای خون

بذار برات گریه کنم ـ خیلی غریبی آقا جون

کشیده از وجودم آتش زبونه

دلم امشب ضریحت را کرده بونه

یه غم از تو جهان را کرده دیوونه

غل و زنجیر به جسمت داره نشونه

یا مظلوم ـ یا مظلوم ـ یا مظلوم ـ یا مظلوم (وآآآآی)

ای که تو بودی همه عمر ـ همنشین و مهمونِ غم

رو تخته جسم اطهرت ـ بیرون شد از زندونِ غم

شده عالم ز هجرت در سوگواری

دلِ شیعه شده غرقِ بی قراری

بگرید بر چنین غم موسی بن جعفر

به پشت در رضا و معصومه داری

یا مظلوم ـ یا مظلوم ـ یا مظلوم ـ یا مظلوم (وآآآآی)

ببین تو مجلس عزات ـ دارم چه شور و چه حالی

باب الحوائج امشب و ـ ردّم نکن دستِ خالی

ببر روحِ مرا در عشقت فنا کن

وجودم را ز آقائیت با صفا کن

گره افتاده در کارم ای طبیبم

مرا را جونِ رضایت حاجت روا کن

یا مظلوم ـ یا مظلوم ـ یا مظلوم ـ یا مظلوم (وآآآآی)

۱۸- کسی که آسمو نیا، حاجت می گیرن از نگاش

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

کسی که آسمو نیا، حاجت می گیرن از نگاش

غنچهٔ غم گل داده تو باغچهٔ دلو ا پسیا ش خدا می دونه چقدر قلبش بی شکیبه میون زندان آقا مون خیلی غریبه توی باغ خشک و خالی و سرخ لبهاش گلی که سبز مونده تنها أمن یجیبه *** چه طوری آروم بگیره تلاطم گریه ها مون که جون داده کنج قفس غریب و تنها آقامون همه عالم پرشد از عطرو بوی غربت دعای اون خسته دل شد آخر اجابت همه تا دیدند تنش رو خون گریه کردند روی دستاش مونده بود زنجیر اسارت *** شکر خدا که دخترش ندیده اون صحنه ها رو طاقت نمی آورد دلش ببینه اشک بابا رو خالی بود جاش بین اون دشت اشک و ناله که پرپر می شد با شمشیرها باغ لاله امون از اون لحضه ای که با گریه می دید سر باباش و به روی نیزه

۱۹- من کیستم؟ فرشته ی عرش آشیانه ام

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من کیستم؟ فرشته ی عرش آشیانه ام

دردا که گشته قعر سیه‌چال، لانه‌ام

از حلقه‌های سلسله باشد نشانه‌ها

بر دست و پا و گردن و بر پشت و شانه‌ام

مخفی است زخم‌ها به درون دلم، ولی

پیداست بر بدن، اثرِ تازیانه‌ام

من در کنار قبر نبی خانه داشتم

کردند بی‌گناه به زندان روانه‌ام

گر شیعه‌ای به شهر مدینه کند عبور

جرأت نمی‌کند که زند سر به خانه‌ام

هر شب بوَد چهار ملاقاتی‌ام به حبس

زنجیر و کند و قاتل و اشک شبانه‌ام

از بس که تیرگی نگهم را گرفته است

روز و شبم یکی شده در آشیانه‌ام

دیدم بسی شکنجه و خواهند اگر شهود

این زخم‌های سلسله باشد نشانه‌ام

نشنیده ماند ناله ی شب‌های تار من

خاموش در میان قفس شد ترانه‌ام

«میثم» ز سوز سینه سرودی برای ما

سوز دلت قبولِ خدای یگانه‌ام

۲۰- در دل حبسم و حبس است به دل فریادم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

در دل حبسم و حبس است به دل فریادم

فرصتی نیست که از سینه برآید دادم

سال‌ها می‌گذرد رفته‌ام از یاد همه

کاش می‌کرد اجل گوشه ی زندان، یادم

طایر عرش کجا، قعر سیه‌چال کجا؟

من کجا بودم و یا رب به کجا افتادم

همه شب خُرم از آنم که در این گوشه ی حبس

«هر دم آید غمی از نو به مبارک بادم»

زهر یکبار مرا کشت، خدا می‌داند

بارها سوختم و ساختم و جان دادم

به امیدی که رضا لحظه‌ای آید به برم

سال‌ها حلقه‌صفت چشم به در بنْهادم

بال پرواز، شکسته است و پرم ریخته است

چه نیاز است که صیاد کند آزادم

دل صیاد بوَد سنگ و ندارد اثری

گیرم از سینه برآید به فلک فریادم

منم آن لاله ی پرپر شده ی دور از باغ

که چو گلبرگ خزان داد فلک بر بادم

مرهم زخم تن خسته ی من گریه بوَد

چشم «میثم» مگر از اشک کند دلشادم

۲۱– طایر توحید فتاد از نفس

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

طایر توحید فتاد از نفس

مشت پری مانده از او در قفس

وای وای گرفته زهرا عزا

آه آه سرت سلامت رضا

*****

زندانـــی فاطمـه آزاد شد

قتلگهش زندان بغداد شد

وای وای گرفته زهرا عزا

آه آه سرت سلامت رضا

*****

وای من و وای من و وای من

سلسله بـر گـردن مولای من؟

وای وای گرفته زهرا عزا

آه آه سرت سلامت رضا

*****

یوسف فاطمه پس از سال‌ها

کشته شده بیـنِ سیه‌چال‌ها

وای وای گرفته زهرا عزا

آه آه سرت سلامت رضا

*****

چیده شد از شاخـه، گلِ امامت

حضرت معصومه سرت سلامت

وای وای گرفته زهرا عزا

آه آه سرت سلامت رضا

*****

زخـم وی از حلقــه ی زنجیرهاست

زخم حسین از دم شمشیرهاست

وای وای گرفته زهرا عزا

آه آه سرت سلامت رضا

*****

کشته شده دو یوسفِ بی گناه

یکی به زندان و یکی قعرِ چاه

وای وای گرفته زهرا عزا

آه آه سرت سلامت رضا

*****

پیکر او در غل و زنجیرها

پیکر جدش هـدف تیرها

وای وای گرفته زهرا عزا

آه آه سرت سلامت رضا

*****

۲۲- من که شد زندان هارون قتلگاهم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من که شد زندان هارون قتلگاهم

بی‌گناهـی نزد هارون شد گناهم

ای خدا ای حیّ بی‌چون

نَجِّنی مِنْ حبسِ هارون

*****

رو به روی خاک زندان می‌گذارم

یا رضا می‌گویم و جان می‌سپارم

ای خدا ای حیّ بی‌چون

نَجِّنی مِنْ حبسِ هارون

*****

بارالهـا ایـن قـفس روزن ندارد

تا نسیمم بویی از معصومه آرد

ای خدا ای حیّ بی‌چون

نَجِّنی مِنْ حبسِ هارون

*****

برق هجران قطره قطره کرده آبم

لحظه لحظه می‌دهد قاتل جوابم

ای خدا ای حیّ بی‌چون

نَجِّنی مِنْ حبسِ هارون

*****

اشک غم در دیده و سوزم به سینه

پـر زنـد مـرغ دلـم سوی مدینه

ای خدا ای حیّ بی‌چون

نَجِّنی مِنْ حبسِ هارون

*****

قاتلم آید به دیدارم شبانه

می‌زند بر پیکر من تازیانه

ای خدا ای حیّ بی‌چون

نَجِّنی مِنْ حبسِ هارون

*****

شسته زنجیر من از اشک دو دیده

لحظه‌های آخـر عمـرم رسیده

ای خدا ای حیّ بی‌چون

نَجِّنی مِنْ حبسِ هارون

*****

۲۳- همه عمرم به زندان ها سپر شد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

همه عمرم به زندان ها سپر شد

نگاهم ماند بر ره بی اثر شد

مرا زنجیر و غل از پا نینداخت

ز دشنام عدو عمرم به سر شد

۲۴- بابا رضا به گوشه ی زندان خوش آمدی

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع گلواژه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بابا رضا به گوشه ی زندان خوش آمدی

بر دیدن پدر ، تو پسر جان خوش آمدی

زندان کجا مدینه کجا و تو کجا

مهمان من به گوشه ی زندان خوش آمدی

زنجیر و بند کین سر و سامان من ربود

امشب مرا بر این سر و سامان خوش آمدی

بابا تو ضامن غربائی و من غریب

ای ماه من به شام غریبان خوش آمدی

بر لب سیده جانم و از دیده رفته نور

نورم به چشم و بر لبم ای جان خوش آمدی

۲۵- اندر این کنج قفس ....

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

اندر این کنج قفس غوغای محشر می کنم
پیروی از مادرم زهرا اطهر می کنم
کاخ استبداد را بر فرق هارون دغا
واژگون با ناله ا... اکبر می کنم
تا زند سیلی برویم سندی از راه ستم
یاد سیلی خوردن زهرای اطهر می کنم
گر چه در قید غل و زنجیر می باشم ولی
استقامت در بر دشمن چو حیدر می کنم
گر ز پا و گردن رنجور من خون می چکد
یاد میخ و سینه مجروح مادر می کنم

۲۶- شیعیان عزم سفر جانب بغداد کنید

مشخصات

مناسبت شهادت
سبک ولادتی
قالب غزل
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

شیعیان عزم سفر جانب بغداد کنید
همچو نی ناله ز بیرحمی صیاد کنید
قبل از آنی که شود حضرت معصومه یتیم
یوسف فاطمه را از قفس آزاد کنید
سندی شاهک اگر خواست دهد آزارش
مگذارید و دل فاطمه را شاد کنید
وقت برداشتن سلسله از گردن او

یادی از میخ در و آتش بیداد کنید

وقت برداشتن پیکر کاهیده او

بهر تشییع جنازه همه امداد کنید

گر که نیلی رخش از ضربت سیلی دیدید

یادی از کوچه و از ثانی جلاد کنید

۲۷- دشمن تمام عشق را انکار می کرد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دشمن تمام عشق را انکار می کرد

حتی بدی را ز بدی بیزار می کرد

سیمرغ کوه نور در کنج قفس بود

صبر و مدارا با غمی بسیار می کرد

هر روز با زخم زبان و ناسزایش

موسی بن جعفر را عدو آزار می کرد

آن روزه دار خسته زندان بغداد

با ضرب سیلی روزه اش افطار می کرد

هر گه ز فرط ضعف او از حال می رفت

با یک لگد او را عدو بیدار می کرد

زیر هجوم بی دریغ تازیانه

یاد هجوم و حمله مسمار می کرد

وقتی به زهرا ناسزا می گفت سندی (دشمن)

مرگش طلب از خالق دادار می کرد

در خلوتش مأنوس با ذکر رضا بود

با اشک و ناله یاد آن دلدار می کرد

۲۸– بیا بیا به برم شکسته بال و پرم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بیا بیا ببرم ، شکسته بال و پرم

بانوی خسته مادر پهلو شکسته

*****

ببین دو چشم ترم ، پاره شده جگرم

بانوی خسته مادر پهلو شکسته

*****

دست شکسته جانب خدا کن

بیا برای مرگ من دعا کن

شد یوسف کنج قفست پیر و زمینگیر

مادر بخدا خسته شدم در غل و زنجیر

*****

غریب و بی گنهم ، بیا به قتلگهم

بانوی خسته مادر پهلو شکسته

*****

کشیده دشمن دین ، برا بخاک زمین

بانوی خسته مادر پهلو شکسته

*****

مثل تو دارم بر تنم نشانه

ز ضرب سیلی هم ز تازیانه

مادر نه مرا زهر نه زندان بلا کشت

مادر تو گواهی که مرا هجر رضا کشت

*****

۲۹- یا فاطمه نالم به پریشانی تو

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا فاطمه نالم به پریشانی تو

بر اشک عیان و غم پنهانی تو

امروز ز بعد چارده سال از بند

آزاد شده یوسف زندانی تو

۳۰- زیر زنجیر گران پیر شدم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک شور سینه زنی

قالب قصیده

شاعر قانع ابراهیم

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

زیر زنجیر گران پیر شدم

دیگر از جان و جهان سیر شدم

بدتر از تیرگی زندانم

هست بی رحمی زندانبانم

بسکه بی رحم بود صیادم

تا نمیرم نکند آزادم

مرغ بی بالم و کنج قفسم

سخت از سینه بر آید نفسم

بعد یک عمر که در زنجیرم

زیر زنجیر گران می میرم

بر لبم نیست بجر نغمه دوست

وز تنم نیست بغیر از رگ و پوست

ساق پا خورد شده از زنجیر

زهر کرده است بجانم تأثیر

۳۱- تاریکی و نمناکی زندان

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب نثر

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

اینقدر زندان تاریک بود که اگر علم امامت و ولایت نبود تشخیص وقت نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء برای حضرت مشکل بود.

کسیکه در یک جای نمناک باشه به مرور زمان استخوانهایش پوک می شود فرتوت می شود و قوتش کم می شود.

۳۲- زندانیی که غیر خدا ...

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

زندانیی که غیر خدا در نظر نداشت

عمری شکنجه دید و کس از او خبر نداشت

هر روز روزه بود ولی موقع غروب

جز تازیانه آب و غذایی دگر نداشت

یا فاطمه بجان تو سوگند روزگار

زندانی از عزیز تو مظلومتر نداشت

جسمش به تخته پاره و بر دوش چهار تن

آن روز روزگار مسلمان مگر نداشت

ممنوع بود کسی به ملاقات او رود

یا آن شهید کشته به زندان پسر نداشت

جان داد با شکنجه ولی مصلحت چه بود

زنجیر را ز پیکر مجروح بر نداشت

۳۳- صدای ناله ای از کنج زندان

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

صدای ناله ای از کنج زندان

به گوشم می رسد با آه سوزان

گمانم باشد این صورت مکرر

صدای حضرت موسی بن جعفر

الهی از دل زارم گواهی

ندارم جز تو من دیگر پناهی

دگر معصومه جان بابت نبینی

به مرگم در مدینه می نشینی

رضا بابا بیا اندر بر من

به دامن گیر این ساعت سر من

بیا زنجیر از گردن تو بردار

برم سوی وطن با چشم خونبار

۳۴– سینه ها شد باغ ناله

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب قافیه پریشان

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سینه ها شد باغ ناله

داغ زهرا گشته تازه

تا قفس را در گشودند

بهر تشییع جنازه

*****

انکه خسته از جفا بود

بی صدا بر شانه ها بود

زیر تابوتش چه خالی

جای فرزندش رضا بود

*****

آنکه بوده چارده سال

کنج زندان در شراره

از چه این سان هست سنگین

پیکرش بر تخته پاره

*****

ای خدا قلبم شکسته

از غم این مرد خسته

چون هنوزم دست و پایش

در غل و زنجیر بسته

*****

۳۵- باب الحوائج در کنج زندان

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

باب الحوائج در کنج زندان

با ناله گفتا در دادن جان

تبعید و زندان بنموده پیرم

راضی شدم در زندان بمیرم

آه و واویلا(۴)

*****

کی می شود من آزاد گردم

راحت ز دست صیاد گردم

بر دیدن من آید شبانه

سندی شاهک با تازیانه

آه و واویلا (۴)

*****

تابوت او شد از تخته ی در

دنبال تابوت زهرای اطهر

این پیکر از کیست در جثر بغداد

کز کنج زندان گردیده آزاد

آه و واویلا(۴)

*****

۳۶- امشب کبوتر دلم راهی شد از بین قفس

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب کبوتر دلم راهی شد از بین قفس

راهی شهر کاظمین دلشوره بود تو هر نفس

دست دلم دست قضا گرفته بود و می کشید

اینقده رفتیم تا دلم به یک سیاهچالی رسید

تو پله هایی که همش تاریک و نمناک و سیاه

می رسید از عمق زمین بگوش دل صدای آه

می رفتیم از تاریکیا سمت صدای ناله ای

می دیدم از تو ظلمات از نور سبز یه هاله ای

من با تعجب از دلم پرسیدم این نور از کجاست؟

گفت که چراغی نداره این نور حجت خداست

کنج قفس غریبه ای مشغول راز و زمزمه

با هر نفس که می کشید صدا می زد یا فاطمه

ز ابر چشم آقامون بارون می ریخت رو دامنش

زنجیر کینه اثری گذاشته بود رو گردنش

انگاری وقت التجا علی روی سجاده بود

این پسر فاطمه بود که روی خاک افتاده بود

روزا که روزه می گرفت افطاری خون دل می خورد

درب قفس تا وا می شد به مادرش پناه می برد

تا نیمه ی شب آقامون می شد با قاتل روبرو

می گفت بگو هر چی می خوای به مادرم چیزی نگو

امشب امیر کائنات چشماشو بر هم میذاره

رضا میاد با گریه هاش رو زخما مرحم میذاره

فردا می پوشند شیعه ها کفن به شاه عالمین

تموم عالم می خونن غریب بی کفن حسین

۳۷- کبوتر زخمی زهرایم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

کبوتر زخمی زهرایم ، دلتنگ و بیقرار رضایم

دست غم بشکسته بالم

زین قفس دیگر ننالم

هر که بیند حال و روزم

می کند گریه بحالم

من غریبم(۲)

*****

گر چه اسیر غل و زنجیرم ، دوری طفلانم کرده پیرم

گو صبا با دختر من

بر زمین مانده سر من

با رضا بر گو که سوزد

ذره ذره پیکر من

من غریبم (۲)

*****

آیینه بخت من شکسته ، پهلو شکسته برم نشسته

مادر قامت خمیده

از غمم رنگش پریده

دست بر صورت گرفته

رنگ نیلی ام که دیده

من غریبم(۲)

*****

۳۸– با خشتهای سنگی و ...

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب قافیه پریشان

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

با خشتهای سنگی و با میله های خویش

زندان به حال و روز دلم گریه می کند

خون می چکد ز حلقه و می سوزد از تبم

زنجیر هم ز سوز دلم گریه می کند

*****

چشمم به میله های قفس خو گرفته است

کی می شود که خنده به روی رضا زنم

کو دخترم که باز بخنند برابرم

کو قوتی که شانه به موی رضا زنم

*****

ای بی حیا ترین که مرا زجر می دهی

در زیر تازیانه چنین ناروا مگو

خواهی بزن دوباره مرا یا بکش ولی

اما بیا به مادر من ناسزا مگو

*****

۳۹- زهرا بیا به بغداد زندانیت شد آزاد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

زهرا بیا به بغداد زندانیت شد آزاد

زندانی غریبت زیر شکنجه جان داد

ای مادر امامت، زهرا سرت سلامت

*****

آخر کنار زندان حق نبی ادا شد

در زیر تازیانه فرزند او فدا شد

ای مادر امامت، زهرا سرت سلامت

*****

با اشک مخفیانه با چشم پر ستاره

از زهر کین دلش شد قرآن پاره پاره

ای مادر امامت، زهرا سرت سلامت

*****

مرغی که از برایش زندان شد آشیانه

بر پیکرش عیان بود آثار تازیانه

ای مادر امامت، زهرا سرت سلامت

*****

قاتل کنار زندان بر گردنش غل انداخت

از حلقه های زنجیر زخم تنش گل انداخت

ای مادر امامت، زهرا سرت سلامت

*****

حمل جنازه ی او غوغای محشری بود

تابوت او به شانه از تخته ی دری بود

ای مادر امامت، زهرا سرت سلامت

*****

پروانه ها بسوزید شمعی دگر نمانده

از طایر ولایت جز مشت پر نمانده

ای مادر امامت، زهرا سرت سلامت

*****

۴۰- من آن شکسته دلم که خون شده جگرم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من آن شکسته دلم که خون شده جگرم

کسی خبر نشود ز گریه ی سحرم

دارم امشب زمزمه، با رضا و فاطه

حبس من شد قتلگاه، وامصیبت آه آه

*****

ز قاتلم به خدا همین بود گله ام

که تازیانه زند به زخم سلسله ام

بر تنم زنجیر بود، بدتر از شمشیر بود

حبس من شد قتلگاه، وامصیبت آه آه

*****

عدو به جان و دلم شرر زند به جفا

گهی به زخم زبان گهی به زهر جفا

کرده بازویم ورم، مثل زهرا مادرم

حبس من شد قتلگاه، وامصیبت آه آه

*****

دگر درون قفس شکسته بال و پرم

نه فاطمه به برم نه نازنین پسرم

شد به حبس غربتم، سلسله هم صحبتم

حبس من شد قتلگاه، وامصیبت آه آه

*****

سزد نوشته شود به سنگ تربت من

که شد به سینه نهان صدای غربت من

گشته با سوز دلم، یک یهودی قاتلم

حبس من شد قتلگاه، وامصیبت آه آه

*****

به وقت دادن جان اسیر کند و غُلم

شده به حبس عدو شکنجه دسته گلم

بارالها من کجا، خنده ی دشمن کجا

حبس من شد قتلگاه، وامصیبت آه آه

*****

۴۱- دیگر دلم به سیر چمن وا نمی شود

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع مرآت ولایت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دیگر دلم به سیر چمن وا نمی شود

دیگر نشاط، هم نفس ما نمی شود

حتی اگر مسیح، طبیب دلم شود

دارد جراحتی که مداوا نمی شود

موسی اگر کند گذری سوی کاظمین
دیگر روان به وادی سینا نمی شود
از زخم های سلسله چون یاد آورم
زنجیر شعله از جگرم وا نمی شود
یک تن نگفت سلسله در آن سیاه چال
درمان زخم گردن مولا نمی شود
حبس و شکنجه قعر سیه چال و سلسله
این احترام یوسف زهرا نمی شود
گویی که آن ستمگر حق ناشناس را
جز با شکنجه عقده دل وا نمی شود
معصومه تسلیت که نصیب تو بعد از این
دیگر زیارت رخ بابا نمی شود
مولای من کسی است که در حبس سالها
غافل دمی ز حیّ تعالی نمی شود
«میثم» هر آنچه بر سر عبد خدا رود
عبد خداست، بنده ی دنیا نمی شود

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹